واکنش قزوه به اقدام انسان‌دوستانه کیانوش رستمی

مدیر دفتر آفرینش‌های ادبی حوزه هنری در یادداشتی ضمن همدردی با مردم کرمانشاه، به خبر حراج طلای المپیک کیانوش رستمی واکنش نشان داد. به گزارش خبرنگاران پویا علیرضا قزوه، در یادداشتی کوتاه در این باره نوشته است: «سقف‌ها واژگون شد و شانه‌ها واژگون نشد/ خانه‌ها بی‌ستون شد و بیستون بی‌ستون نشد/ در گذار بلا و در دمثل مردایستاده‌اند/ ... مرحبا به پهلوان و به پهلوانان و به غیرت مردان مرد سرزمینم که با شکست بیگانه‌اند. ما هم هر کدام به قدر خود چیزهایی برای حراج داریم. اگر کسی نخرید خودمان می‌خریم، خدا می‌خرد! این بزرگی‌ها قیمت ندارد.

نگاهی به گونه اصیل تعزیه ایرانی به بهانه برگزاری آیین تعزیه خوانی دهه آخر صفر در قودجان خوانسار

وقتی هنر نمایش، آیینی می شود

محمد ناصر حق خواه- تلفیق فرهنگ ایرانی و آیین‌های اسلامی و خدمات پیوسته و متقابل این دو در بسط فرهنگ اصیل شیعی، همواره محل بحث مورخان و صاحبان اندیشه بوده است. هنر نمایش هم به مثابه جلوه کاملی از تلفیق ادبیات و هنرهای تجسمی و موسیقی، جایگاهی برای بروز کامل تاثیرات متقابل فرهنگ ایران پیش از اسلام و آیین‌های اسلامی و پیام آزادی بخش اسلام بر ذهن خلاق هنرمند ایرانی بوده است. آیین‌های نمایشی پیش از اسلام در ایران از جمله میر نوروزی و کوسه برنشین و سوگ سیاوش هر یک به گونه‌ای به خدمت فرهنگ ایرانی_شیعی آمده است. آیین سوگ سیاوش که هر سال در ایران باستان در رثای مظلومیت سیاوش پاکدامن برگزار می‌شد، پس از حادثه عظیم و پرشکوه عاشورا در ابعاد وسیع‌تری و در قالب مراسم شبیه‌خوانی ادامه یافت. از مراکز عمده و مهم برگزاری تعزیه در ایران می‌توان به شاهرود، کاشان، اصفهان و کرمان اشاره کرد؛ اما هر سال دهه آخر ماه صفر در روستای قودجان شهر خوانسار، بزرگ‌ترین اجتماع تعزیه خوانان در جهان برگزار می‌شود که در ادامه گزارشی از تاریخچه، حال و هوا و آداب خاص برگزاری این مراسم خواهیم خواند.

■ **تاریخ تعزیه خوانی**

درباره تاریخ دقیق شروع مراسمی با عنوان تعزیه خوانی یا شبیه گردانی روایت‌های گوناگونی در دست است اما معتبرترین روایت از شروع چنین مراسمی، آن را به زمان زمامداری حکومت شیعه مذهب آل بویه بر می‌گرداند و پس از آن هم در دوران سلطان محمد خدابنده؛ اما اطلاع دقیق و متقن از تعزیه خوانی و رواج گسترده آن به زمان حکومت صفویه بر می‌گردد که مراسم مفصلی در پاسداشت شهدای کربلا برگزار می‌شد و رسومی مانند حمله خوانی از آن زمان به یادگار مانده و قواعد اولیه تعزیه خوانی هم در همان عهد شکل گرفته است. اما تعزیه به شکل امروزی و با قراردادهای جدیدی که ما با آن آشناییم، در دوره ناصرالدین شاه که آن را «عصر طلایی تعزیه» می‌نامند آغاز شده است. در این دوره نمایش‌ها از حیاط کاروان‌سراها و میادین شهر به تکیه‌هایی که به همین منظور ساخته شده بود، منتقل شد و بزرگ‌ترین تعزیه هم هر سال در «تکیه دولت» که با الهام از «اپرا هال» انگلستان ساخته شده بود، برگزار می‌شد. این رسم برگزاری تعزیه با حمایت‌های دولتی تا زمان به قدرت رسیدن رضاخان و ممنوعیت تعزیه خوانی برای چندین سال ادامه داشت اما در این دوره تکیه دولت به طور کامل تخریب و تعزیه خوانی به عنوان اقدامی علیه امنیت ملی شناخته شد. پس از برکناری رضاخان دوباره شبیه خوانان کار خود را از سر گرفتند و در دوره جدید تعزیه در تهران از یک مراسم آیینی به یک تئاتر رسمی بدل شد و این هم به دلیل حضور دانش‌آموختگان تئاتری بود که این هنر اصیل را نه فقط به عنوان یک آیین مذهبی که به عنوان گونه‌ای تئاتری اجرا کردند. در همین حین تعزیه در شهرهای دیگر بار سوم سنتی برگزار می‌شد و پژوهشگران با حضور در مراکز تعزیه خوانی ایران به چاپ چوب بندی و قاعده مند شدن تعزیه با نوشتن قراردادهای نمایشی برگزاری شبیه خوانی در نقاط مختلف ایران کمک کردند.

■ **چهارصد سال عشق بدون تعطیلی**

در سطرهای پیشین درباره منشأ و سابقه هنر تعزیه در ایران صحبت کردیم؛ اما این روایت‌های پراکنده از نقاط مختلف ایران در نقطه‌ای به هم می‌پیوندند و آن هم روستای قودجان خوانسار است که به طور قطع می‌توان گفت چهار قرن است شبیه خوانانی در این سرزمین نسل به نسل از عشقشان به خاندان رسالت خوانده‌اند و اکنون پس از صدها سال تعزیه‌های خوانسار با همان سیاق دلنشین گذشته و به همت فرزندان همان بنیان گذاران در حال برگزاری است. تعزیه هنری است عمدتا موروثی و اگر در نقطه‌ای با سبکی اصیل و قاعده‌مند پایه گذاری شود، پایدار خواهد ماند. اتفاقی که اکنون در قودجان افتاده و مراسم پر سابقه این دیار، از تکیه‌ای کوچک با ظرفیتی محدود به تکیه بزرگ حضرت ابوالفضل(ع) با ظرفیت بیش از ۳۰ هزار نفر منتقل شده است و هر سال در دهه آخر صفر با شکوه‌تر از پیش برگزاری می‌شود.

■ **خانه امید عشاق**

کدام نمایش یا تئاتر در دنیا سراغ دارید که تماشاچیانش از هزار نفر بیشتر باشند؟ از ۱۰ هزار نفر چطور؟ شبیه خوانی در خوانسار اما همان طور که گفته شد با جمعیت ده‌ها هزار نفری به منزله یک رویداد بزرگ در جهان نمایش به ظهور و بروز رسیده است. هر سال تمام گروه‌های برتر تعزیه خوان از سراسر ایران بهترین شبیه خوانان و جذاب‌ترین نسخه‌های تعزیه شان را با وسایل و تجهیزات کامل به قودجان خوانسار می‌آورند و علاوه بر مردم مشتاق و سوگوار اصفهان، تعزیه دوستان و نمایش پژوهانی از سراسر ایران و گردشگران و هنرمندانی از تمام دنیا برای دیدن این نمایش‌ها که عصاره والاترین و قدیمی‌ترین هنر نمایشی ایران است، به آن جا می‌آیند و تعزیه خوانسار به مثابه یک اتفاق بزرگ در جهان نمایش جلوه می‌کند. این روزها با گسترش بیش از پیش رسانه‌های مجازی و اقبال مردم، سایتی به نام Tazieh.ir راه اندازی شده است که با حضور واحدی سیار در قودجان و با کیفیتی بالا مراسم را به طور زنده و مستقیم پوشش می‌دهد و علاقه مندان می‌توانند همراه با حاضران در تکیه حضرت ابوالفضل(ع) مراسم را از این پایگاه اینترنتی تماشا کنند.

■ **ادب و آداب عاشقی**

هنر تعزیه این روزها از دو جهت تهدید می‌شود. اول از آن رو که آداب و قراردادهای رایج و مقبول شبیه خوانی که طی سال‌ها تدوین شده و سینه به سینه از پدران به پسران به ارث رسیده، با سهل انگاری‌هایی در حال فراموشی است و دوم این که سن تعزیه خوانان اصیل رو به افزایش است و بعضی از رموز این هنر والا با درگذشت آنان به دست فراموشی سپرده خواهد شد. اما برگزاری تعزیه دهه آخر صفر در خوانسار شدت این دو تهدید را کاهش می‌دهد؛ اول از آن سو که تعزیه‌های برگزار شده در تکیه حضرت ابوالفضل(ع) با پشتوانه یک انبار قوی از البسه و تجهیزات لازم برای شبیه گردانی برگزار می‌شود و از سوی دیگر بعضی نکات اصولی مثل اشتلم خوانی اشقیا و آواز خواندن با تحریر اولیا، رعایت کامل گوشه‌های تعزیه، پیش واقعه خوانی، وارد شدن به واقعه و ترتیب جزء به جزء روایت با دقت لحاظ می‌شود. همچنین این حضور پرتعداد شبیه گردانان و جذب تماشاچیانی از نقاط مختلف ایران باعث ترغیب جوانانی می‌شود که با دیدن گوشه‌های نه چندان کاملی از تعزیه در محل زندگی خود، تصور نادرستی از این هنر نمایشی داشتند و این موضوع می‌تواند باعث امتداد شکوه این هنر باشد. علاوه بر زنده شدن آداب و قواعد اصیل تعزیه خوانی و رعایت نکات فنی نمایشی، بحث مهم دیگر حضور تعداد زیادی از مردم در این مراسم به عنوان عملی مذهبی و با نیت برآورده شدن حاجات است و جالب است بدانید که خیلی از افراد نذر خوابیدن چند روزه در تکیه حضرت ابوالفضل(ع) را می‌کنند یا این که در روایت واقعه حضرت علی اصغر(ع)، علی اصغرهای متعددی روی دست امام خوان جابه جا می‌شوند که هر کدام نوزادانی هستند حاصل نذر پدران و مادرانی که سال‌های پیش در همین تعزیه تولدشان را از خدا خواسته‌اند؛ نوزادانی که نمادی از پاکی این هنر نمایشی از سوگ سیاوش تا قصه پرغصه علی اصغر هستند.

عکس‌ها: ایمنا

پیک خبر

اهدای نگین انگشتر از سنگ قبر مطهر امام حسین(ع) به دانش‌آموزان مداح

یازدهمین آیین تجلیل از نوگلان حسینی با اهدای هدیه‌ای ویژه به مداحان برگزیدهٔ دانش‌آموز به کار خود خاتمه داد. به گزارش باشگاه خبرنگاران پویا، اختتامیه یازدهمین آیین تجلیل از نوگلان حسینی پنج شنبه ۲۵ آبان ماه در فرهنگ سرای اندیشه با حضور رئیس سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، جمعی از ذاکران و پیرغلامان آستان اباعبدا... الحسین(ع) و جمعی از مسئولان برگزار شد. در این اختتامیه به نفرات برگزیده هر مقطع علاوه بر تندیس و لوح تقدیر مبلغ پنج میلیون ریال، به نفرات دوم هر مقطع مبلغ سه میلیون ریال و به نفرات سوم هر مقطع مبلغ دو میلیون ریال اهدا شد. علاوه بر این در بخش جوایز، یک هدیهٔ ویژه نیز به برگزیدگان اهدا شد و آن، نگین انگشتری از سنگ قبر مطهر امام حسین(ع) بود.

فروش آثار هنرمندان انقلاب به نفع زلزله‌زدگان

کارگاه خلق و فروش آثار هنری با عنوان «نقش باران» به منظور همراهی و کمک به زلزله‌زدگان غرب کشور در کارگاه اصلی حوزه هنری برگزار می‌شود. به گزارش ایسنا، به همت مرکز تجسمی حوزه هنری و گروه تجسمی بنیاد روایت فتح، کارگاه خلق و فروش آثار هنری با حضور تعدادی از هنرمندان پیش کسوت و تراز اول هنر انقلاب، به منظور کمک به زلزله‌زدگان شهرها و روستاهای کرمانشاه در کارگاه اصلی مرکز تجسمی حوزه هنری واقع در تهران، خیابان سمیه، نرسیده به خیابان حافظ برگزار می‌شود. سید مسعود شجاعی طباطبایی مدیر مرکز تجسمی حوزه هنری در توضیح برگزاری این حراج آثار هنری اظهار کرد: «پس از این اتفاق ناگوار و مصائب و مشکلاتی که برای مردم مناطق زلزله‌زده به وجود آمد، تعداد زیادی از هنرمندان بر آن شدند تا به نحوی ادای دینی به بازماندگان این حادثه داشته باشند.» او افزود: «روز سه شنبه ۳۰ آبان ماه تعدادی از آثار با ارزش هنرمندان انقلاب با حداقل قیمت‌های پایه به مزایده گذاشته و آثار خلق شده در کارگاه نیز به فروش می‌رسد.» عواید فروش آثار خلق شده در کارگاه نقش باران که روز سه شنبه ۳۰ آبان ماه از ساعت ۹ صبح تا ۱۹ عصر در کارگاه اصلی مرکز تجسمی حوزه هنری برپا می‌شود، به صورت کامل برای کمک به زلزله‌زدگان غرب کشور قرار می‌گیرد.

چهره‌ها

پیمان قاسمخانی از تجربه خواندن رمان «ژان کریستف» می‌گوید

جانم برای تمام کردنش درآمد

پیمان قاسمخانی مدتی قبل در گفت‌وگو با «همشهری جوان» از عامه پسندترین و بلندترین کتاب‌هایی که خوانده گفته بود که مرور صحبت‌هایش خالی از لطف نیست.

عامه پسندترین کتاب: احتمالا عامه پسندترین کتابی که خوانده‌ام، یکی از نوشته‌های تاریخی ایرج پزشک‌زاد درباره یکی از حاکمان بود. فکر می‌کنم وقتی ۱۵-۱۴ سالم بود خواندم. کتاب خوبی بود و از آن خیلی خوشم آمد، آن‌قدر خوشم آمد که بعد از آن باز هم خواندم. شاید از پنج شش بار هم بیشتر شد. هیچ وقت هم از کسی قایم نمی‌کنم. به همه هم توصیه می‌کنم آن را بخوانند، اما کتاب‌هایی را که بیشتر از کتاب‌های ایرج پزشک‌زاد عامه پسند بودند، اصلا دوست نداشتم و تا حالا هم نخوانده‌ام، چون در کل با سانتیمانتالیسم میانه‌ای ندارم.

بلندترین کتاب: «ژان کریستف» نوشته رومن رولان را ۱۳-۱۲ سالم بود که خواندم جانم هم برای تمام شدنش درآمد. هشت جلد بود. سنم هم کم بود. همش بعد از تمام شدن یک فصل می‌گفتم با یک صفحه هم می‌توانست آن را تمام کند چرا باید آن را یک فصل طول می‌داد؟ خیلی سخت تمامش کردم. اما خوشم می‌آمد مردم ببینند که این کتاب را دستم گرفته‌ام و می‌خوانم. بعد از آن، کتاب‌های بلند زیادی خوانده‌ام، اما چون برای تمام شدن آن یکی خیلی سختی کشیدم، هیچ وقت فراموش نمی‌کنم.

مهم‌ترین کتابی که دوست داشتی بخوانی و نخوانده‌ای: یادم نمی‌آید دورخیز که می‌کنم، فکر کنم «دن کیشوت» نوشته میگل سروانتس را هنوز نرسیده‌ام بخوانم. اما بالاخره می‌خوانم. نمی‌دانم چرا نخوانده‌ام، در کتابخانه‌ام هم دارمش.

معرفی کتاب

تلفیق هنر عکاسی و ادبیات

زندگی روزمره یا everyday life از حوزه‌های جدید و مهم رشته‌های جامعه شناسی، فلسفه، انسان شناسی و مطالعات فرهنگی است که از نیمه دوم قرن بیستم مورد توجه کارشناسان و دانشمندان علوم انسانی و اجتماعی قرار گرفته است. پیربوردیو، ژان بودریار، مارشال برمن، استوارت هال، اسلاوی ژیژک و... تنها تعدادی از فعالان برجسته این حوزه هستند که بیش و کم در ایران شناخته شده‌اند.

پیش از این هنرمندان بسیاری (از شاعران گرفته تا نویسندگان و فیلم‌سازان و عکاسان) به بررسی بخش‌های به ظاهر پیش پا افتاده و کم اهمیت زندگی روزمره ما پرداخته‌اند. طی سال‌های اخیر تعداد هنرمندان ایرانی که وارد این عرصه شده‌اند رو به افزایش است و این مسئله را می‌توان در میان خیل آثار تولیدی هنرمندان نسل جدید (در رشته‌هایی چون ادبیات، سینما، تجسمی و...) مشاهده کرد. کتابی که در این بخش به معرفی آن پرداختیم، محصول عملکرد همین هنرمندان نسل جدید است. «**پرسه در حوالی زندگی**» عنوان کتابی است که در آن ۴۰ عکس توسط کیارنگ علایی انتخاب شده و مصطفی مستور در حاشیه این ۴۰ عکس، متنی مرتبط با موضوع این تصاویر نگاشته است. عکس‌هایی که علایی انتخاب کرده، عموما توسط عکاسان مختلفی از کشورهایی چون فنلاند، ترکیه، ایسلند، لهستان و کرواسی و... گرفته شده است. این تصاویر لحظه‌هایی است ساکن شده از بطن زندگی انسان‌ها در موقعیت‌ها و مقاطع مختلف زندگی انسان که مستور درباره هر کدامشان حاشیه‌ای شاعرانه نوشته است. تجربه‌ای برای پیوند هنر عکاسی با ادبیات که دقیقا مشخص نیست کدام یک به داد دیگری رسیده‌اند اما آن چه می‌توان به راحتی از دل این تصاویر فهمید، عواطفی است که به متن‌های شاعرانه یک داستان‌نویس گره خورده است؛ انتظار، عشق، تنهایی، حسرت و هر احساسی که ممکن است در طول یک روز برای انسان‌های پرتکاپوی فعلی مجال بروز نیابد یا در مقابل عرضه شدن مقاومت کند.

برگرفته از تارنمای شهر کتاب

لذت شعر

دلم هوای تو کرده شه خراسانی...
چه می‌شود که بیایم حرم به مهمانی...؟
دلم ز کثرت زشتی بریده آقاجان...
عنایتی که بیایم، تویی که درمانی
علی بهزادپور

عکس: غفار نامه

مشهدت ضرب المثل‌های مرا تغییر داد
هر که بامش بیش برفش نه، کبوتر بیشتر
چهار فصل مشهدت از عطر گل آکنده است
این چنین یعنی سه فصل از شهر قمصر بیشتر...
حسین رستمی

عکس: ایسنا

جز به دیدار حریمت دگرم مرهم نیست
هیچ کس غیر شما بر دل من محرم نیست
شهر جدت که مرا راه ندادند اما
بپذیرم؛ به خدا حج فقیران کم نیست
سجاد شاکری

خوش به حال کسی که در صحنت
زیر باران اسیر خواهد شد...
دارم از دوری تو می‌میرم
دعوتم کن که دیر خواهد شد...
از کُمیت و فَرزدَق و دعبل
تا همین شاعران امروزی
هر عزیزی که شاعرت باشد
شاعری بی‌نظیر خواهد شد...
محمد شریف

چه خبر در حرم ضامن آهو شده است؟
صحن‌ها بیشتر از پیش چه خوش بو شده است
طرف پنجره فولاد هیاهو شده است
باز یک چشمه از آن لطف و کرم رو شده است
مجید تال

هر شب در خیال خویش
ضریحت را
با آب دیدگانم غبار روبی می‌کنم
و با نسیم
کبوتران ضریحت را
در دیدگانم
مجسم می‌کنم
و بر گنبد طلایی ضریح تو
طواف می‌گزارم
محبوبه باقری‌زاده

به شیشه‌های اتاقم دوباره‌ها کردم
واز نوشتن اسمت بر آن حیا کردم
به روی شیشه کشیدم عکس یک گنبد
به پای شیشه نشسته رضا رضا کردم
حامد محمدی

***

آهو از کجا فهمید
باید از تو یاری خواست؟
از پناه تو باید
سایه‌ای بهاری خواست؟
آهو از کجا فهمید
با تو می‌شود آرام؟
با نگاه تو آهو
پیش پای تو شد رام
قاسم رفیعا